## پیامک و تلفن همراه ، پدیده ی پر کاربرد ارتباطی

محمد على چراغى

مخابرات هم مثل اکثر پدیده های روز جامعه – از بازتاب خبرها و گزارش های آن در مطبوعات که بگذریم – وارد ادبیات هم شده است. پیام کوتاه یا پیامک (SMS) به عنوان یکی از مقولات مخابراتی، افزون بر این که وسیلهی ارتباطی بسیار ساده و ارزان برای مردم است، وسیلهی تفنن دارندگان تلفن همراه، به ویژه جوانان هم شده و خود، نوعی حوزهی ادبی فناورانه الکترونیک ایجاد کرده است. و از سوی دیگر همین مقوله و بعضی مقولات

. به چند مورد توجه فرمایید ، که بعضا رگه هایی از طنز نیز دارد :

دیگر مخابرات وارد شعر و ادب مکتوب و روزنامهای هم شده

عصد،

است.

عصر پیام کوتاه است (۱)

عصاره ی این شعر ، در عنوانی که برای آن برگزیده ایم ، آمده است : : عصر ، عصر پیام کوتاه است :

گفتن این که دوستت دارم ،

اولین راه و آخرین راه است .

ای فدای بلندی قدت ،

عصر عصر پيام كوتاه است إ

عصر تنهایی عمیق بشر ،

بین صدها رفیق، عصری که ،

با وجود هزارها همراه ،

دوره ی انقراض همراه است .

ما در این عصر برهای هستیم ،

كه اسير طلسم چوپانيم .

برهای که به محض آزادی ،

اولين مقصدش چراگاه است.

برهای که هوا نمی خواهد،

هیچ چیز از خدا نمی خواهد ،

برهای که نهایت هدفش،

گله از وضع نوبت كاه است.

« دوستت دارم » ، این همان رازی است ،

که جهان را نجات خواهد داد .

« دوستت دارم » ، این همان اسبی است ،

که سوارش همیشه در راه است.

اي چراغ هميشه روشن عشق إ

باش تا صبح دولتم بدمد .

تو، در این عصر خوشتری ؛ زیرا

ماه پیش ستارهها ماه است.

## زنگ و آهنگ تلفن همراه (۲)

در شعر زیر که به زبان محاوره ای سروده شده ، رگه هایی از طنز پیرامون تلفن همراه آمده است و البته زبان حال یگ گوشی تلفن همراه و درد سرهای دارندگان تلفن ، چه تلفن همراه یا ثابت ، است :

دلم مىخواد نيم ساعتى، هى بوق آزاد بزنم .

كاشكى مىشد از ته دل، جيغ بزنم، داد بزنم.

كاشكى مىشد حافظهام، پر بشه از عشق و اميد .

شماره ها کهنه شدن، بیاد شمارهای جدید.

همرا هتم صب ( ح ) تا غروب، غصه ی تو رو دوشمه .

صدای مهربون تو، همیشه توی گوشمه .

تو جادههای عاشقی، رابط عشق تو، منم .

درد دلاتو مي شنوم، اما چه قرصه دهنم!

براي من يه عالمه، آدم خوب صف مي كشن.

یکی، دو تا نیستن عزیز، دم به ساعت زنگ میزنن .

بعضيا كه مزاحمن، فوت ميكنن تو گوش من .

عقده های چن ساله رو، شوت میکنن تو گوش من .

بعضيا لعنت ميكنن، بعضيا نفرين ميكنن.

بعضيا تهديد مي كنن؛ اون مي كنن، اين مي كنن!

بعضيا اما مثل تو، هميشه عاشقن، گلن .

كى گفته عاشقا همه، ديوونهان، خيلي خلن؟!

آی کسی که یه دُم داری، چیزی بلوتوث میکنی!

والا بَده، گنده شدى، هي خودتو لوس ميكني!

آی کسی که خیلی سوسول، یه خوردهای هم خفنی!

هم میشینی رو صندلی، صد تا اساماس میزنی

جون تو نه، جون خودم، خسته شدم، دلواپسم.

مي خوام كه اشغال بزنم، چون كه گرفته نفسم.

بى معرفت يه عمريه، هميشه همراه توام.

حتى اگه بهم بگى، نمىشه، همراه توام .

## « تنها صداست که میماند » ( ۳ )

در شعر زیر به موضوع آهنگ هایی که صاحبان گوشی های تلفن همراه ، به جای زنگ تلفن ، یا پیامک ، روی گوشی هاشان گذاشته اند ، پرداخته شده است و اشاراتی به برخی آهنگ ها و ترانه هایی دارد که شهره ی عام اند . مجلس ،محفل و یا مکانی مثل اتوبوس را در نظر بگیرید که جمعی نشسته اند ، و لحظه لحظه صدای زنگ ، یا همان نوای آهنگ گوشی تلفن همراه یکی از حاضران به گوش می رسد:

• همه نشستهاند: صمّ بکم (صُمّن بکم) گاهی از گوشهای صدایی گم،

که شبیه صدای آدم نیست ؛

بشكند شيشهى سكوت همه:

« دیریم، ریم، دام دارام.»

يعني: خاطر خواه، مي دوني

خاطر خواتم وا لًا به مولا ...»

دَست در جیب می کند جوانک خاطرخواه ،

من آمدهام. »

الغرض :

همه گونه صدا موجود است:

هم کلاسیک و سنتی، موجود ،

هم محلّی و فولکور و عامی ،

همه گونه صدای رو حوضی ،

هم شوپن، باخ و بتهوون، واگنر ،

هم زمشكاتيان و هم لطفي.

الغرض: « تنها صدا ست كه مي ماند »

شما به خیر و ما به سلامت (٤)

در كف اوست: ماسما سكِ همراه:

• الو، بفرما، الو،

دارم می یام توی راه!

• بار چهارم، صدا یکی دیگر:

«دیریم دیریم، دیریم ریم ...»

يعني: ميخوام برم به تهرون،

مىخوام برم به تهرون.

- الو كجايي، نوجوون؟

عمهات بشه تو رو قربون!

• بار پنجم صدایی شبیه صدای قورباغه:

قرررررررررررررررررررررر ....

چرت آقای دبیر،

میشود پاره چون زنجیر.

• بار ششم : دیم دام دام دار .....ام

ديم دام دام دار...ا رام.

بعني:

« از خون جوا.... نان وطن لاله.»

وطن لاله ...

وطن لاله دميده ... لاله .»

این آ هنگ همراه یک دا نشجوبود.

زنگ هفتم:

« دیم دام دارارام دام دام ،

دام دام دارارام . »

يعنى: من آمدهام ، . . .

۱) شعر از غلامرضا طریقی ، نقل از روزنامه ایران البته عنوان آن « تنهایی عمیق بشر » بود ، که نگارنده ، عنوان بالا را برای آن برگزید ه است .

۲) شعراز فاضل ترکمن ، نقل از ضمیمه ی دوچرخه ی روزنامه ی همشهری

٣) فروغ فرخزاد

ثروبشكاه علوم النابي ومطالعات فرسخي

٤) شعر (اگر بشود گفت شعر) از نگارنده ي مقاله